

# زبان رادیو

## ● شهرام گیل آبادی مدیر طرح و تامین شبکه جوان

در برخورد اولیه با عنوان، چنین برمی آید که این مطلب، بررسی در چهارچوب زبان شناسی این رسانه ارتباطی فعال است. با این تصور اولیه که در ذهن شکل می‌گیرد، اولین کد ارتباطی انتقال معنی از سوی نوشته به مخاطب داده می‌شود. پس از دریافت، مخاطب در جهت ادراک و کشف رمز کد مزبور تلاشی ذهنی را آغاز می‌کند. قبل از این که توضیحي در جهت فرایند ذهنی کشف رمز از سوی مخاطب داشته باشیم باید در حد مجال این نوشته، به تعریف زبان بپردازیم.

زبان از بیان تعریفی مجمل در خصوص در واقع و در عمل، به کارگرفته می‌شود. تقسیم کرد. پس در این میان بنیاد ساختار زبان شکل می‌گیرد که کلمات در آن نشانه‌های اختیاری‌اند؛ یعنی نشانه‌ها بر مبنای نوعی قرارداد تعیین می‌شوند. از این جملات می‌توان دریافت، معنا حاصل ارجاع کلمه به جهان خارج و یا به افکار یا مفاهیمی نیست که در جهان خارج از زبان وجود دارند، بلکه حاصل تلمیذ بین خود نشانه‌های زبانی است.

### تعریف

### زبان

زبان‌شناس و نشانه‌شناس سوئیسی، فردیناندو سوسور، در این خصوص معتقد بود که زبان‌شناسی باید از بررسی زبانی زبان، یعنی بررسی چگونگی تحولات تاریخی زبان، فراتر رود و به بررسی همزمانی بپردازد. بدین ترتیب زبان را باید در حکم نظامی تلقی کرد که در یک سطح زبانی عمل می‌کند. او زبان را به دو سطح، زبان یعنی نظام زیرساختی که ناظر بر کاربرد

وی که این سخن را در بررسی فرایند تأثیر پیام گرم رادیو در مقابل دیگر وسایل ارتباط-جمعی در جامعه رو به پیشرفت با تحولات سرمایه داری و ایدئولوژی های دیاکتیکی می گوید، در این خصوص ادامه می دهد:

«به طور خلاصه، در میان این تلقی ها که موجب آزادشدن شدید انرژی و ایجاد تغییرات شده اند، هیچ کدام بارزتر از برخورد فرهنگ های قبایی و گفتاری نیستند. القیای اولی، که انسان را از جهان شنیداری به جهان دیداری سوق داده احتمالاً از دیدگاه اجتماعی و سیاسی اساسی ترین انفجاری بود که در یک ساختار اجتماعی پدید آمده.

راستی این انفجار که در دیدگاه های سیاسی و اجتماعی پدید آمد در اثر عملکرد چه پدیده ای بود؟ چگونه می توان از ذهن حرکتی را آغاز و به عین رسید؟ عاملی که در این دو سؤال به گونه ای مستتر است، تأثیر فرهنگ القیایی و گفتاری (اولی است) که حامل پیامی گرم است و از شاخصه های اصلی زبان رادیو به حساب می آید.

جنگل، کلمه ای است با دایره معنایی خاص، با بیان این کلمه چیزی که در ذهن شنونده آن شکل می گیرد تعریفی است که از کشف رمز اولیه کلمه در ذهن او پدید می آید. اما یک سؤال، آیا همه جنگل هایی که در ذهن مخاطبان با بیان این کلمه شکل می گیرد مختصاتی مشترک دارند؟ طبعاً باید در پاسخ به این سؤال جوابی منفی داد، ولی در پاسخ به این توضیح چه باید گفت؟ در رسانه تپه ای نه چندان مرتفع در استان کوتاه سوزنی برگی وجود دارد، نهر آبی از داخل این درختان رد شده و به پایین تپه می رسد.

با این تعریف مختصر از موقعیت فوق، مخاطب به تصویری نزدیک می رسد که این تصور حاصل همکاری ارگانیکی موجود در توضیح مختصات جنگل است، اما باز هم چیزی که به وضوح می توان بدان دست یافت برداشتی انتزاعی از این برخورد ارگانیکی است.

با این رویکرد می توان از زاویه پیام به رسانه خطرناکی نظر افکند که به بیان

روان شناسان در هنگام خواب هم بر ناخودآگاه مخاطب اثر می گذارد.

حال که از جهان شنیداری به جهان دیداری ذهن با پیامی گرم وارد شدیم، باید به تبیین پیوندی که در عنوان بدان اشاره داشتیم بپردازیم؛ پیوندی که در آن گاه سکوت است که غمی سنگین بر دل مخاطب می گذارد.

- سکوت به زبان آمده با مخاطب به گفتگو می پردازد.

- سکوت است که شوق تفکر را در مخاطب برمی انگیزد.

- سکوت است که فرصت تأمل و تفسیر رفتار را در مخاطب ایجاد می کند.

ناخود داشت و آن کلمه چیزی جز کشت نیست.

بله عمل، عملی که در رسانه های گوناگون به تناسب شکل آن تغییر می کند و در انسان همه این اعمال در یک جا جمع می شود.

این خاصیت دریافت است که انسان را به موجودی پیچیده تبدیل می کند و باعث می شود ادراک پدیده های گوناگون را به گونه ای بالقوه در او پدید آورد که در نهایت این قدرت خارق العاده ختم به کشف رسانه های چندمعنایی می شود.

آیا ما در رادیو با احساس های گوناگون روبرو هستیم؟ مثلاً لاسه، بویایی،

## مک لوهان در کتاب شناخت رسانه خود می نویسد: «هیچ چیز سخت تر از قبول این امر نبود که رسانه های امتداد-دهنده زبان حتی در محدوده عوامل تولید هم قادر باشند تحولات اجتماعی را شکل دهند.»

دیداری ...

در عین نابوری باید در پاسخ به این سؤال گفت بله، انسانی با پیچیدگی های روانی از یک سو و از سوی دیگر پیامی گرم می توان حاری تحریک قوه چشایی مخاطب شود.

پیچ رادیو را باز می کنیم؛ برنامه آشنیری است؛ گوینده خاصیت مواد لازم در طبخ یک غذا را بیان می کند؛ به لیموی تازه می رسد، با بیان فواید لیموی تازه، تلنگری به حافظه حسی مخاطب می زند و بزاق دهان شروع به ترشح می کند.

پیچ رادیو را می چرخانیم در جایی ثلث می کنیم، گوینده با جزئیات خاص درگذشت عزیز را اعلام می کند؛ بانگ غزا از رادیو به گوش می رسد؛ حافظه عاطفی مان تحریک می شود و ناخودآگاه اشک در چشمان حلقه می زند.

در نمایی این مثال ها ارتباط که حاصل کشف رمز نشانه افریاطی است برقرار شده.

### زبان و رادیو

در تعریفی که از سوسور در خصوص زبان شده، دو عامل به شکل مشخص نمایان است: یکی زبان و دیگری گفتار.

سوسور در تعریف زبان به نظامی زیرساختی اشاره می کند که ناظر بر کاربرد زبان است و گفتار و آن گونه که در واقع و در عمل است می داند.

در این تعاریف معنا محصول زبانی و تمایزی بین مدلول و فرم می گیرد؛ اگر این تعریف را بپذیریم باید با فراتر نهادن زبان از آن تصویر می پیماییم؛ لا کلمات بدستیم که این زنجیره هیچ آغاز و پایان فرازانی ندارد.

این نظام زیر ساختی که مدلول قرار می گیرد چگونه نمود می یابد؟

در پاسخ به این سؤال به رادیو و با رسانه های گوناگون دیگر می رسیم؛ این سؤال پاسخی جز یک کلمه از زبان ارسطو

اماین ارتباط گاه حسی، گاه عاطفی و گاه... است. چیزی که به وضوح و به‌طور مشخص با آن روبه‌رو هستیم برقراری ارتباط است که می‌توان بدین صورت آن را تعریف کرد: ارتباط فرآیندی است که اطلاعات را از یک منبع به گیرنده یا دریافت‌کننده منتقل می‌کند.

اکنون که بایان نظام زیرساختی زبان و پدیده گفتار و در نهایت فرایند پویایی ارتباط آشنا شدیم، در نتیجه‌ای اجمالی به طرح دو نظریه و خصوصیات آنها می‌پردازیم تا درایم از این رساله بهره‌مند و حساس چگونه باید در جهت حرکت و پویایی مثبت اجتماعی استفاده کرد.

کنکاش اولیه در تئو نظریات متفاوت، در برخورد با رساله، ذهن را، به دو نظریه برجسته معطوف می‌کند. یکی نظریه رساله‌ای (ارتباطی) و دیگری نظریه هنری.

#### نظریه رساله‌ای (ارتباطی)

در این نظریه، فایده‌ای عملی را برای رساله در نظر می‌گیریم که این فایده عملی، معیار و ملاک غایی، برای ارزشیابی پیام است، پیامی که فرستنده به وسیله رساله به

گیرنده → رساله واسطه پیامی → فرستنده (receiver) (Medium) (Sender)

گیرنده ارسال می‌کند.

فناپین به این مدل ارتباطی، در بسیاری از موارد شگافی را در تعریف بین دو جزء لازم و ملزوم یعنی زبان و گفتار ایجاد می‌کنند و در نهایت اصالت را بر مبنای شفاق ایجاد شده به محتوا می‌دهند.

در بیان این وجه از نظریه به تفکیک مشاهده و ادراک عملی برمی‌خوریم که در مقابل مشاهده و ادراک غیرعملی لاسوی نظریه‌پردازان هنری قرار می‌گیرد.

نظریه‌پردازان رساله‌ای معتقدند فرایند ادراکات حسی و ذهنی انسان مدرن، که روزانه تحت تأثیر سرعت دنیای مدرن کند، می‌شود، منحصر به فواید عملی است؛ در نتیجه باید مدلی طراحی شود که به تبیین فواید عملی بپردازد و فقط آنچه را که ما به آن توجه داریم و ارسال می‌شود را مدنظر داشته باشد.

آنها با تحلیل جوامع مدرن معتقدند که انسان مدرن در برخورد با سرعت و مکتبیزم جامعه مدرن نیاز به گریزجویی دارد و باید نیاز عملی این انسان را با طراحی برنامه‌های تفریحی برطرف کرد، برنامه‌هایی که بدون فرایند ذهنی پیچیده‌ای قابل دریافت باشند.

این نظریه که با تئوری عملی آشناسازی به حرکت خود ادامه می‌دهد در پی برآگامتسمی (تئو سازی) است که

## در تعریف سوسور در

### خصوص زبان، دو عامل به

### شکل مشخص نمایان است؛

### یکی زبان و دیگری گفتار.

با آن از آسانی که در این تعریف تبدیل به ریاضت شده پذیرایی کند. نظریه هنری

این نظریه از پیوند بین نظریه رساله‌ای و نظریه هنر برای هنر پدید آمد.

در این نظریه که فرم و محتوا را لازم و ملزوم و وجود تفکیک‌ناپذیر یکدیگر می‌داند، معتقد است، همه چیز ناظر بر فایده عملی است. فرایندهای ذهنی انسان مدرن

کند می‌شود و جهان هستی و اهمیت زندگی در این پاسخ‌کننده ذهنی به فراموشی سپرده می‌شود. اما از آنجاکه فعالیت هنری مستقل از هرگونه فایده عملی است هنگام

مواجهه با اثر هنری، مخاطب قادر است صرف‌نظر از هرگونه نیاز و فایده اقتصادی عملی به بازسازی ادراکات حسی و عواطف و قوای شناختی بپردازد. در این

روند چیزهایی را که انسان مدرن از دست داده دریافت می‌کند و جهان هستی را در لوج غنا می‌بیند. در این نظریه، اساس حرکت آشنایی زوایی است.

از نظر هنری، یک برنامه پدیده‌هایی معمولی و روابط آدم‌ها را در زمینه و پستر جدید و نامألوس قرار می‌دهد؛ یعنی آنها را

در قالب فرمی عرضه می‌کند که با فرم موجود در اجتماع متفاوت باشد. فرایند پدید آمده در اثر آشنایی زوایی باعث جلب توجه شده و سبب می‌شود به پدیده‌های موجودی که در اطرافمان تاکنون پدان توجه نداشته‌ایم بنگریم. پس از این روند ممکن است پیچیدگی‌هایی در اثر آشنایی زوایی پدید آید که فرایند دریافت را سخت کند اما این سختی دریافت در خلایق به پویایی می‌رسد که در اثر فرایند ادراک است که باعث صیقل خوردن ذهن مخاطب می‌شود و در نهایت این روند به درک بهتر پدیده مورد تعریف منتهی می‌گردد.

در این نظریه اثر زاده تعریف مجدد موثر از یک پدیده است که این تعریف وابسته به قاعده‌ای به نام آشنایی زوایی است.

اما تئمی نظریات، وابسته به شناخت زبان رساله، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایش است، به گونه‌ای که پس از این شناخت به شیوه‌های گوناگون پردازش محیط ارگاتیک منتج از این آگاهی می‌خورد می‌کنیم که تمام اجزای آن به گونه‌ای سیستماتیک بر یکدیگر تأثیر گذارده تا هدلی را به انجام برسانند.

آن‌گاه در این سیستم که هر نشانه در جای خود تعریفی را پذیرفته، توانش خالق یک تعریف در یک برنامه بسته به تسلط او بر مهارت‌های لازم، خودنمای می‌کند، (که در نهایت قابل ارزیابی است.)

و شاید در بررسی فرآیندها تأثیر ارگاتیک یک برنامه بر مخاطب

- گاه سکوت به زبان آمده با مخاطب به گفتگو بپردازد.

- سکوت غمی سنگین بر دل مخاطب بگذارد.

- سکوت شوق تفکر را در مخاطب برانگیزد.

- سکوت فرصت تأمل و تغییر رفتار را در مخاطب ایجاد کند.

- و سکوت در ایجاد در دل سیستم تبدیل به نشانه‌ای با تعریفی خاص شده است.

